

ادونیس یکی از خوش‌اقبال‌ترین نویسندگان و شاعران عرب است که تاکنون دو اثر او به همت کاظم برگ‌نیسی به فارسی ترجمه شده است. کتاب پیش‌درآمدی بر شعر عربی نخستین کتابی است که در چند سال گذشته منتشر شد و ترانه‌های مهیار دمشقی در سال ۱۳۷۸ به دستداران ادبیات معاصر عرب عرضه شد و از کتابهای درخور اعتناست که در این حوزه منتشر شده است. نثر ترجمه کتاب کاملاً روان، چشم‌نواز و خوش‌خوان است. درباره این اثر گفتگویی با برگ‌نیسی کرده‌ایم که می‌خوانید.

□ ترانه‌های مهیار دمشقی کتابی از ادونیس است که جناب‌عالی آن را ترجمه کرده‌اید و با مقدمه‌ای مبسوط و عالمانه در سال گذشته منتشر شده است. در سالهای اخیر درباره ادبیات عرب و مخصوصاً ادبیات معاصر عرب، آثار درجه اول کمتر داشتیم و شناخت ما از ادبیات معاصر عرب و همچنین شناخت جهان عرب از ادبیات معاصر ما رضایت‌بخش نیست. از شما می‌خواهم که ابتدا ما را بیشتر با ادونیس آشنا کنید تا بحث درباره کتاب را آغاز کنیم.

■ خیلی مختصر بگوییم که ادونیس یک شاعر سوری‌الاصل است، در کشور سوریه به دنیا آمده اما سالهاست که در لبنان زندگی می‌کند و در واقع شناسنامه لبنانی گرفته است. وی در سال ۱۹۳۰ به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا درجه دکتری در بیروت ادامه داد. در حال حاضر چند سالی است که در پاریس ریاست انستیتوی ادبیات عرب را بر عهده دارد. کار اصلی وی به شعر و نقد منحصر می‌شود. اولین دفتر شعر ادونیس در سال ۱۹۵۰ چاپ شد و از آن تاریخ به بعد دفترهای شعر فراوانی منتشر کرده است. می‌توان گفت یکی از پرکارترین شاعران دنیای عرب به حساب می‌آید. در زمینه نظریه‌پردازی شعر و نقد، استاد برجسته و مسلمی است و شعر کلاسیک عربی را بطور جدی مطالعه کرده و از آن گزیده‌ای فراهم آورده که در سه جلد منتشر شده است. کارهایش را کم و بیش در کشورهای غربی از جمله فرانسه و انگلستان و حتی در آمریکا ترجمه کرده‌اند. بعضی از مجموعه‌های شعر او به چند زبان فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و حتی سوئدی ترجمه شده است. به هر حال یکی از مهمترین شاعرانی است که

امروزه در شعر معاصر عرب مطرح هستند.

□ لطفاً به بعضی از دفترهای شعر ایشان و آثاری که در زمینه نقد ادبی نوشته‌اند اشاره بفرمایید؟

■ در زمینه دفترهای شعر، به نظر من، همین ترانه‌های مهیار دمشقی اولین نقطه عطف در کارهای ادونیس است. شعرهای این دفتر را در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ سروده است. دومین مجموعه شعر مهم که نقطه عطف دیگری است و تحولی در شعر ادونیس به شمار می‌آید مفرد به صیغه جمع نام دارد. در میان مجموعه شعرهای او کتابهای مهم دیگری هم وجود دارد، از جمله مجموعه شعری به نام المسرح و المرایا یعنی «صحنه و آینه‌ها» یا مجموعه شعر هجرت در خطه‌های شب و روز یا آخرین دفتر شعر مفصل ایشان که بیش از هزار صفحه است به نام الکتاب که شخصیت اصلی آن را متنبی - شاعر معروف عرب - تشکیل می‌دهد، و در واقع ادونیس در الکتاب توی جلد متنبی رفته، یا به عبارت دیگر نقاب متنبی را به چهره زده است. الکتاب از نظر آرایش هم حالت خاصی دارد. مثلاً حاشیه دارد، حتی بعضی از کلمات معنا شده است. معمولاً شاعران چنین کارهایی را در دفترهای شعر خود نمی‌کنند.

در زمینه متون سه جلد گزیده شعر عربی دارد و مقدمه‌ای نسبتاً مفصل برای این سه جلد نوشته که من آن را به اسم «پیش‌درآمدی بر شعر عربی» ترجمه کرده‌ام.

کتابی هم در مورد سوررئالیسم دارد به اسم الصوفیة و السورریالیة که در آن رابطه عرفان و سوررئالیسم را بررسی کرده است. چاپ اول این کتاب در ۱۹۹۴ منتشر

شد. وی مقالات انتقادی متعددی نوشته که در مجله شعر و مجله المواقف چاپ شده، و بعدها به صورت کتاب درآمده است. البته کارهای دیگری هم دارد. مثلاً کتابی به نام الشعر به العریبه که من قسمتی از این کتاب یعنی دو سخنرانی از این دو کتاب را که در کلژ دوفرانس پاریس ایراد کرده بود، به کتاب پیش‌درآمدی بر شعر عربی افزودم.

اخیراً توجه ایشان به قرآن از زاویه زبان شاعرانه قرآن - بخصوص در جزءهای آخر - جلب شده که در آن زمینه هم آثاری را منتشر کرده است.

□ ظاهراً ادونیس دوره‌های مختلف شعری داشته است. در حال حاضر به کجا رسیده است؟

■ اگر بخواهیم تاریخ مشخصی را برای آغاز شعر معاصر عرب ذکر کنیم - که البته این کار لزومی هم ندارد - باید بگوییم که معمولاً سال ۱۹۴۷ را سال تولد شعر معاصر عرب در نظر گرفته‌اند.

تاریخ بسیاری از شعرهایی که در مجموعه اول ادونیس چاپ شده، حتی به سال ۱۹۴۶ هم برمی‌گردد. شعر ادونیس در این مرحله، یعنی مرحله پیش از ترانه‌های مهیار دمشقی، مثل شاعران دیگر آن نسل، فضایی کم و بیش رمانتیک داشت و با گرایش شدیدی به مسائل سیاسی روز آمیخته بود. اما به تدریج گرایشهای سیاسی خود را از دست داد و به سمت شعری حرکت کرد که نام آن را شعر جهان شمول گذاشته است. در شعر جهان شمول، همه چیز درهم آمیخته می‌شود. در اینجا دیگر مرزی میان گذشته و حال وجود ندارد. تصویرها مصالحی هستند برای ساختن دنیایی که

گفتگو با کاظم برگ‌نیسی

ترانه‌های مهیار دمشقی

نیست. کلام موزون در کلام منظوم ادغام می‌شود. از تکنیک‌هایی استفاده می‌شود که در تناثر به کار می‌رود، و در این میان تأثیر بعضی از مکتب‌های ادبی مثل سوررئالیسم کاملاً محسوس است. خلاصه‌دنیایی به‌وجود می‌آید که در آن «گنگ خوابیده» تلاش می‌کند تا با «عالم کر» ارتباط برقرار کند. قبلاً اشاره کردم که ادونیس نگاه خاصی به سوررئالیسم دارد و آن را با تصوف و عرفان ارتباط می‌دهد. آخرین نقطه عطف شعر ادونیس را می‌توان شعر نثر دانست که در شعر غربی نزدیک به یک قرن سابقه دارد. البته ادونیس وزن را کاملاً کنار گذاشته و هر جا که احساس ضرورت کرده، از آن استفاده کرده است. فکر می‌کنم ورود به دنیای شعر ادونیس به بحث نسبتاً مفصلی احتیاج دارد. به طور کلی می‌توان گفت شعر ادونیس شعری است که امروزه آن را شعر مدرن می‌نامیم. شعرهای ادونیس، مظهر شعر عربی مدرن است. شعر مدرن شعری است که دیدگاه کلاسیک و سنتی را کنار گذاشته است. طرز تلقی امروز ما از شعر با طرز تلقی چند قرن پیش تفاوت بنیادی دارد.

در شعر مدرن آنچه در وهله اول مهم است، آفریدن یک دنیاست. یعنی هر شاعری به تناسب دنیایی که می‌آفریند و زبان خاصی که برای بیان آن انتخاب می‌کند، هویت متمایز و سبک منحصر به فرد خود را

می‌پروواند.

ادونیس معتقد است که شعر مدرن، مبهم، مردد و غیرمنطقی است. به عبارت دیگر، شعر را نوعی جستجو می‌داند. شاعر از سؤال‌های مشخصی آغاز نمی‌کند، چون به تعبیر ادونیس، اگر از سؤال‌های مشخصی آغاز کنیم لاجرم به جواب‌های مشخص و از پیش آماده می‌رسیم. بنابراین، شعر برای ایشان نوعی جستجو است، جستجو در زبان، در رویاها (به معنای وسیع کلمه)، در هویت انسان امروز و انسان آینده.

یکی از تکنیک‌های مهمی که در ترانه‌های مهیار به کار رفته، تکنیک نقاب است، یعنی طرح شعر از زبان یک شخصیت تاریخی. در ترانه‌های مهیار دمشقی، نقاب‌های متعددی هست که غالباً نام هر شعر هویت آنها را مشخص می‌کند.

□ به نظر شما آیا شعر ترجمه‌پذیر است یا خیر؟

■ در زبان‌شناسی بحثی درباره‌ی کل قضیه ترجمه مطرح است که آیا اصلاً ترجمه امکان‌پذیر است یا خیر؟ یک زبان‌شناس مشهور، ژرژ مونی (Georges Mounin) در کتاب مسائل نظری ترجمه می‌گوید که ترجمه در مقام نظر امکان‌پذیر نیست. برای اینکه مثلاً چگونه می‌توان برای یک کلمه‌ای در زبان مبدأ واژه‌ای در زبان مقصد انتخاب کرد که تمام معانی، بارها و سایه روشن‌های این کلمه را برساند. با این همه ترجمه عملاً

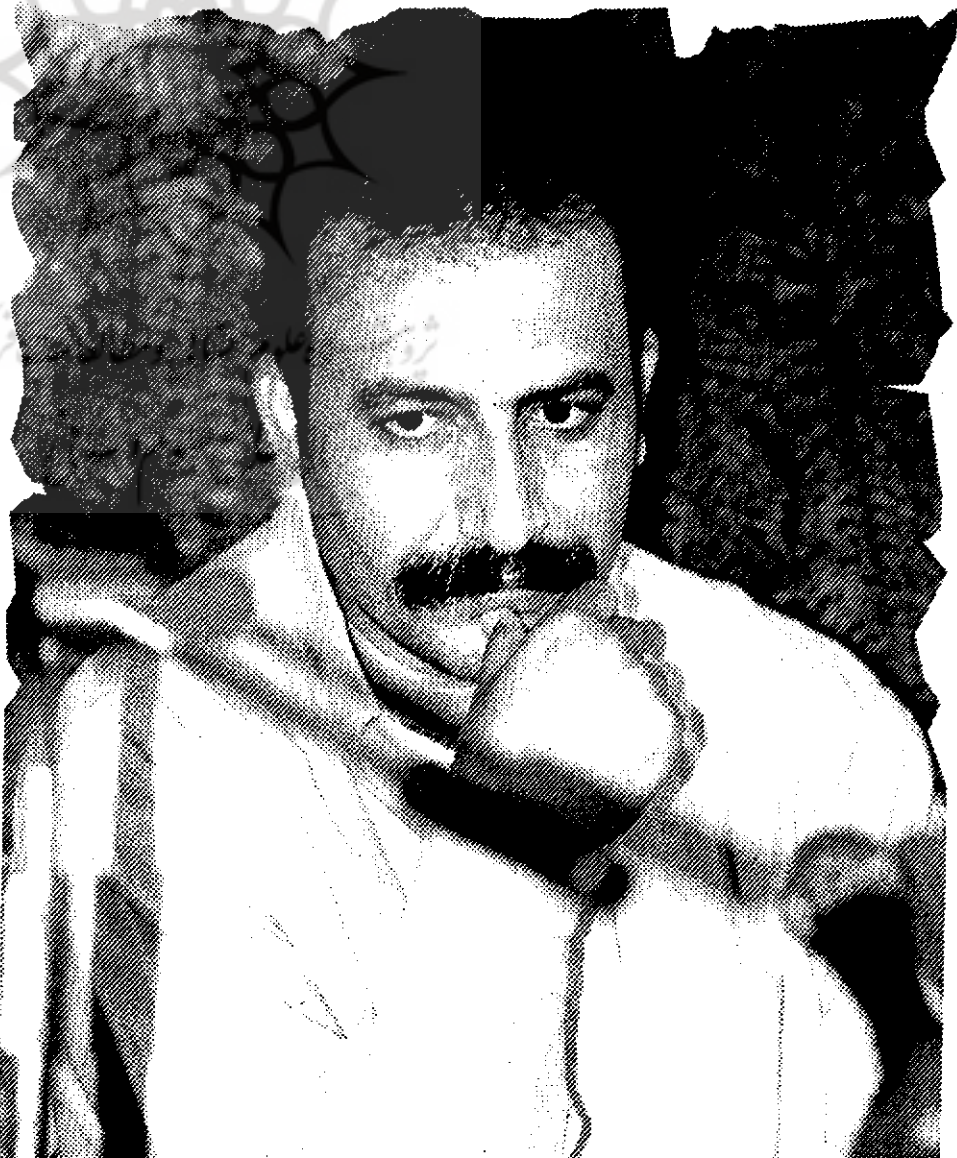
اتفاق می‌افتد. هر چند در مقام نظر ممکن نیست. اگر محال بودن ترجمه بحثی است در حوزه نظر که در عمل باید آن را کنار گذاشت و پذیرفت که ترجمه در عمل امکان‌پذیر است. طبیعتاً ترجمه شعر مشکلاتی بیش از ترجمه نثر دارد، چون شعر به شکل بسیار عمیقی با احساس سر و کار دارد و از کلماتی استفاده می‌کند که رنگ و بو و حتی بار ارزشی آنها در زبان مبدأ و مقصد تغییر می‌کند. مثلاً در زبان فارسی، پروانه مظهر خودسوزی، فداکاری و عاشقی است، ولی در شعر کلاسیک عرب، پروانه مظهر حماقت است. یا کودک در زبان فارسی مظهر راستگویی است (می‌گوییم حرف راست باید از زبان بچه شنید) اما در زبان عربی مظهر دروغگویی معصومانه و ناشی از اشتباه یا تخیل و خیالیافی است.

اگر در شعر مثلاً بخواهید پروانه را به فارسی ترجمه کنید بار معنایی و یا پشتوانه سنتی در سراسر آفرین می‌شود. به هر حال دشواری هست، ولی ترجمه عملاً اتفاق می‌افتد. و من هم در حد توان سعی کرده‌ام که زبان ترجمه را به زبان اصلی شعر نزدیک کنم. شعرهای عربی ترانه‌های مهیار موزون است و گاهی هم مقفی. در آغاز سعی کردم که به بعضی از شعرها وزن و قافیه بدهم و بعد پشیمان شدم. دیدم که بهتر است به انتقال معنا و فضا اکتفا کنم؛ هر چند هنوز نشانه‌هایی از وزن در ترجمه فارسی بعضی از شعرها باقی مانده است.

□ آیا شما این امر را با شاعری هم مورد مشورت قرار

دادید؟

■ با شاعر خیر، ادونیس طی مکاتباتی که با یکدیگر داشتیم، این پیشنهاد را کرد. من در واقع پیشنهاد ایشان را قبول نکردم، به این دلیل که اگر این ترجمه را هر شاعری می‌دید زبان این ترجمه به زبان این شاعر نزدیک می‌شد. در حالیکه کتاب دارای زبان مستقلی است و ربطی به زبان خاصی در شعر امروز فارسی ندارد.



□ یک مقدار درخصوص کار ادونیس توضیح دهید، اینکه مثلاً نقد هم دست کمی از شعر نداشته است. موازین خاص ادونیس را در حوزه نقد برای ما عنوان کنید و اینکه نقد ادبی معاصر عرب چه جایگاهی دارد؟

■ این بحث درازدامن و پیچیده‌ای است. می‌توان گفت که عربها در زمینه مباحث انتقادی بیش از آنچه که در زبان فارسی دیده می‌شود با آثار غربی آشنا هستند و رابطه آنها با ادبیات غربی گسترده‌تر و عمیق‌تر است. بسیاری از کتابهای مربوط به بحث‌های نظری در زمینه نقد ادبی هنوز به فارسی ترجمه نشده اما در زبان عربی برای خواننده قابل دسترسی است. بنابراین، مقدار زیادی از مباحث نقد ادبی در ادبیات امروز عرب تحت تأثیر دستاوردهای نقد ادبی در غرب است؛ خواه در زبان و ادبیات فرانسه و خواه در زبان انگلیسی. مقدار قابل توجهی از کارهایی که زبان‌شناسان و منتقدان ادبی فرانسه ارائه کرده‌اند به عربی ترجمه شده، مثلاً همه کارهای «بارت» به این زبان ترجمه شده است. این رابطه نزدیک میان نقد عربی و نقد غربی تا اندازه زیادی مشخص می‌کند که مبادی و اصول مورد نظر شما چیست. در زبان عربی امروز، مجله‌های متعددی هست که کار آنها صرفاً نقد ادبی است، اعم از تألیف و ترجمه. حتی می‌توانم این را هم اضافه کنم که بعضی از این مجله‌ها صرفاً به ترجمه مباحث انتقادی غربی می‌پردازند.

شعر از نظر ادونیس به مثابه یک نوع ادبی مطرح نیست، بلکه جوهره خلاقیت ادبی است. او از کلمه نوشتن استفاده می‌کند. شعر یعنی نوشتن. بنابراین،

همه مباحث مربوط به نقد رمان یا رمان‌نویسی یا تئاتر و نمایشنامه‌نویسی به نحوی زیرمجموعه شعر قرار می‌گیرند. جدایی شعر عربی از زبان کلاسیک و نگاه گذشته تحت تأثیر تحولی است که شعر امروز در سراسر دنیا پیدا کرده است. به اعتقاد وی، مدرنیسم، مشکل اصلی دنیای عرب امروز است. بنابراین ادونیس تمام مباحثی را که در زمینه مدرنیسم مطرح می‌شود به نحوی به مباحث مربوط به نقد ادبی سرایت می‌دهد. البته عرض کردم که خیلی هم مایل نیستم چیزهایی را که در مقدمه نوشته‌ام در اینجا تکرار کنم. در مقدمه به ابهام اشاره کرده‌ام. از نظر ادونیس ابهام یکی از ویژگیهای ذاتی شعر است. اما البته نباید به حد معما و چیستان برسد. در مقدمه در مورد نوع استفاده‌ای که ادونیس و شعر معاصر عرب از سوررئالیسم می‌کند، نمونه‌ای را مطرح کرده‌ام. اجازه بدهید وارد اصول نشویم، چون بحث دیگری م. طلبد.

□ البته در کتابهایی که طی سالهای اخیر از شعر ترجمه شده است، باید گفت مقدمه‌ای که خود شما بر کتاب نوشته‌اید و نیمی از کتاب را تشکیل می‌دهد امتیاز بزرگی برای این کار است. خواننده‌ای که می‌خواهد کتاب ادونیس را بخواند ابتدا باید با دنیای ادونیس و نظریات او آشنا شود. نکته جالب توجه در مقدمه این است که منابع مورد استفاده شما از منابع جدید در جهان عرب است. یکی از کارهایی که شده — غیر از ترجمه شعر — مقدمه شماست که خواننده را با این نظریه و جهان آشنا می‌کند و خود، کار مستقلی است. شما کار ترجمه را از چه زمانی شروع کردید؟ آیا مشغول کار

جدیدی هستید یا خیر؟

■ شاید از ۱۷ یا ۱۸ سالگی بود که تقریباً شروع به ترجمه کردم (از دوره دبیرستان) اما منتشر نکردم. کاری که در حال حاضر تقریباً در آستانه تمام شدن است دیوان حلاج است که مرحوم ماسینیون کار کرده بود. این کار «آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها». فکر می‌کردم ماسینیونی که پنجاه سال از عمر خود را بر سر حلاج گذاشته، حق مطلب را در تصحیح متن عربی دیوان حلاج ادا کرده باشد، ولی دیدم که چنین نیست. ترجمه او از دیوان حلاج هم نیاز به تصحیح دارد. وقتی بعضی از اطلاعات آمده در مصیبت‌نامه حلاج را دنبال کردم، به اشتباهاتی برخورد کردم که به آسانی قابل اصلاح نبود. با این همه باید بگویم که مصیبت‌نامه حلاج بهترین کاری است که درباره زندگی و اندیشه‌های حلاج انجام گرفته و گمان می‌کنم که تا مدت‌ها همچنان بی‌رقیب می‌ماند. به هر حال کار من با دیوان حلاج فقط ترجمه نبود، بلکه به نوعی درگیر تصحیح متن عربی شعرهای حلاج هم شدم. امیدوارم این کار به زودی تمام شود.

□ این ترجمه هم مثل ترانه‌های دمشقی تحقیق لازم دارد یا فقط تصحیح و ترجمه است؟ آیا شما تحقیق مفصلی هم راجع به شعر حلاج دارید؟

■ البته غیر از متن عربی شعرها و ترجمه آن، تعلیقاتی هم نوشته‌ام که به مفاهیم و اصطلاحات عرفانی حلاج و احياناً اطلاعات دیگری که خواننده احتیاج دارد مربوط می‌شود.





□ لطفاً در مورد کارهای دیگر خود هم بگویید؟

■ من چند رمان ترجمه کرده‌ام، ولی هنوز منتشر نشده است. البته بعد سه نمایشنامه ترجمه کرده‌ام که یکی از آنها چند سال پیش در تئاتر شهر اجرا شد. گزیده‌هایی از شعر کلاسیک عربی دارم. عجیب اینکه علی‌رغم رابطه کهنسال بین دو زبان فارسی و عربی، هنوز این کارها نشده است. من درگیر این کارها شدم و اکنون کار بسیاری از گزیده‌ها تمام شده است و احتیاج به یک مقدمه نسبتاً مبسوط دارد. مثلاً شهرت منتهی در شعر عربی مثل شهرت حافظ در شعر فارسی است. متأسفانه در زبان فارسی حتی گزیده‌های از دیوان او وجود ندارد. حکایت «ابوالعلا» حکایت دیگری از آرزوهاست، نمی‌دانم می‌توان به او رسید یا خیر. آرزو دارم که کل آثار ابوالعلا به فارسی درآید. برای ابوالعلا جایگاه خاصی در نظر گرفته‌ام. وی متفکری است که از زبان شعر برای بیان حرف‌های خود استفاده کرده است.

□ سؤال دیگر اینکه بحران شعر جهانی است. آیا این

بحران در شعر امروز عرب هم وجود دارد؟

■ عربها در مقاله‌ها و حتی در کتابهای نقد ادبی به کرات از بحران شعر سخن گفته‌اند تا جایی که به موضوعی کهنه تبدیل کرده‌اند.

از ادونیس بپرسید می‌گوید خورشید بحرانی ندارد. اگر بحرانی وجود دارد مربوط به مخاطب یا خواننده است. بحرانی است که در موقعیت وجود دارد. خود شعر با بحران مواجه نیست، برای اینکه خود شعر نوعی بحران درونی است. بنابراین، نه با بحران رویرو است و نه مشکلی دارد. اگر مشکلی هست از سطحی بودن

شاعران امروز است. اگر چنین مسائلی وجود دارد به جامعه ما مربوط می‌شود. از نظر ایشان، البته جامعه شرقی بیشتر با این بحرانها مواجه است. اما خود شعر نوعی خلاقیت هنری است و بحرانی ندارد.

□ آیا شما اطلاع دارید که شناخت ادونیس از ادبیات فارسی چه مقدار است؟

■ ادونیس، یکی از کسانی است که خیلی تمایل دارد به ایران بیاید. می‌داند که ادونیس شیعی مذهب است و ایران همیشه به صورت خاصی برای ایشان وسوسه‌انگیز بوده است. ظاهراً وی دو واحد هم در دانشگاه زبان فارسی خوانده است.

با برخی شاعران معاصر ایران دیدار داشته و آشناست. فکر نمی‌کنم آشنایی خاصی با ادبیات فارسی داشته باشد، مگر بعضی از شاعران بزرگ زبان فارسی که به عربی ترجمه شده‌اند، مثلاً قسمتی از شعر مولوی، یا شعر حافظ. بیشتر شعر عرفانی فارسی برای او جالب توجه بوده است.

□ شناخت مغرب زمین از شعر ادونیس چگونه است؟

■ تقریباً ۵ یا ۶ عنوان از کارهای ایشان به زبانهای انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است. خود ترانه‌های دمشق نیز به فرانسه ترجمه شده است. ایشان جایزه بین‌المللی شعر را از مرکز ژنو دریافت کرده‌اند. به عنوان یک شاعر عرب در غرب هم معروف و مشهور است؛ اما در زبان فارسی هنوز چنان که باید و شاید او را نمی‌شناسند. البته اضافه کنم که شعر او دنیای خاصی است که ورود به آن چندان آسان نیست. حال روی پسند با عدم‌پسند بحثی نمی‌کنم، ولی در اهمیت و تأثیر

چشمگیر او در شعر معاصر عرب جای تردید وجود ندارد. او یکی از قله‌های بلند شعر معاصر عرب است.

□ شما مکاتباتی درباره کتاب با ادونیس داشته‌اید، آیا ادونیس کتاب را دیده؟ نظر وی در این مورد چه بوده؟ شنیده‌ام که او از انتشار این کتاب شگفت‌زده شده است؟

■ بله ایشان این کتاب را دیده و یکی از دوستان برای ایشان برده است. وی هم از حیث چاپ و هم از حیث ترجمه (چون بعضی از دوستان ایرانی در بیروت از چند و چون ترجمه با او صحبت کرده بودند) بسیار شگفت‌زده شده بود.

□ ظاهراً ادونیس با همسرش پژوهش‌هایی هم در این مورد داشته است؟

■ همسر ادونیس از منتقدان ادبی خیلی مهم در جهان عرب است. اگر بخواهیم از سه یا چهار نفر منتقد نام ببریم یک، از آنها خالد سعید (همسر ادونیس) است.

□ آیا ادونیس به صورت انفرادی کار می‌کند یا با کمک همسرش فعالیت می‌نماید؟

■ برخی کارهای مشترک کرده‌اند که بیشتر در زمینه‌های گزینش متون بوده است. اما در زمینه نقد بطور مستقل کار کرده‌اند. در زمینه‌های گزینش بعضی از شعرهای کلاسیک کارهای مشترکی دارند. من فهرست کارهایی را که ادونیس با همکاری خالد سعید درآورده است، در مقدمه ترانه‌های مهیار دمشقی آورده‌ام.

□ از حضور شما تشکر می‌کنیم و منتظر انتشار ترجمه دیوان حلاج به قلم شما هستیم.



ادونیس